

**Predigt zum Ostersonntag, 31.3.2024,
Erlöserkirchengemeinde Düsseldorf (SELK),
Pfr. Gerhard Triebe**

1. Samuel 2,1-8a:

حنا اینطور دعا کرد: «خداوند قلب مرا از شادی لبریز ساخته است، او به من قدرت بخشیده و مرا تقویت نموده است. بر دشمنانم میخندم و خوشحالم، چون خداوند مرا یاری کرده است! 2 «هیچکس مثل خداوند مقدس نیست، غیر از او خدایی نیست، مثل خدای ما پناهگاهی نیست. 3 «از سخنان و رفتار متکبرانه دست بردارید، زیرا خداوند همه چیز را میداند؛ اوست که کارهای مردم را داوری میکند. 4 کمان جنگاوران شکسته شد، اما افتادگان قوت یافتند. 5 آنانی که سیر بودند برای نان، خود را اجیر کردند، ولی کسانی که گرسنه بودند سیر و راحت شدند. زن نازا هفت فرزند زاییده است، اما آنکه فرزندان زیاد داشت بیاولاد شده است. 6 «خداوند میمیراند و زنده میکند، به گور فرو میبرد و بر میخیزاند. 7 خداوند فقیر میکند و غنی میسازد، پست میکند و بلند میگرداند. 8 فقیر را از خاک بر میافرازد، محتاج را از بدبختی بیرون میکشد، و ایشان را چون شاهزادگان بر تخت عزت مینشاند»

جامعه عزیز آیا این شادی حنا برای امروز ما مناسب است؟ او نمی تواند خود را از شادی نگه دارد. او به معنای واقعی کلمه مملو از ستایش خداوند در مورد تولد غیرمنتظره پسرش ساموئل است. نام او به معنای خدا شنیده است. او بعداً پیامبر بزرگی در اسرائیل خواهد شد و داوود را نیز به عنوان پادشاه مسح خواهد کرد. اما آیا این برای امروز ما درست است؟

البته خوشحال می شوید که بالاخره یک نفر بعد از سال ها انتظار و دعا و التماس بچه دار می شود. این امر زمانی بیشتر صادق است که - مانند مورد حنا - بی فرزندی به عنوان مجازاتی از جانب خداوند تلقی شود مطمئناً امروز دیگر ارزشی برای آن قائل نیستیم. اما در اینجا نیز این یک تجربه مرزی برای زنان است که نمی توانند بچه دار شوند. گاهی اوقات معنای زندگی زیر سوال می رود: من برای چه خوب هستم؟ برای چه زندگی کنم؟ چه چیزی به زندگی من معنا می دهد؟ حنا قربانی تمسخر و توهین شد. پس با خدا دعا کرد و دعایش مستجاب شد. او اکنون از سر قدرانی، ترانه ای برای عید پاک می خواند که از رستاخیز خود می گوید: «قلب من در خداوند شاد است»، که دعاهای من را شنیده است

مطمئناً وقتی آرزوی بچه دار شدن بالاخره محقق می شود خوشحال می شوید. اما این چه ربطی به عید پاک دارد؟ اینکه زنی بعد از سالها انتظار بالاخره بچه ای به دنیا بیاورد چندان غیرعادی نیست. هر از چند گاهی چنین اتفاقی می افتد. یا باید کسانی که این آیه کتاب مقدس را برای عید پاک انتخاب کردند واقعاً باور کنند که بخشی از تجربه عید پاک را منعکس می کند؟ اما آیا عید پاک کاملاً منحصر به فرد نیست؟

هنگامی که به کتاب مقدس نگاه می کنیم، می بینیم که مسیحیان از کشف آثاری از آنچه خدا در بزرگ کردن عیسی در زندگی خود انجام داده بود، ترسی نداشتند. برای هانا، برای مثال، تولد پسرش به یک رویداد عید پاک تبدیل می شود. عید پاک ویژگی بسیار زمینی دارد. هرکسی که مجبور شده است مثل او تحقیر و تمسخر را تحمل کند و سرانجام به عدالت برسد و بتواند پیروز شود، عید پاک را دست اول و در زندگی خود تجربه کرده است. حنا، زن به ظاهر نازا که سرانجام پس از مدت ها انتظار و دعاهای ناامیدانه صاحب فرزندی می شود، یکی از شاهدان متعدد پیروزی عید پاک است. عید پاک می تواند بسیار زمینی و فیزیکی باشد، بسیار ملموس و انسانی

اما، از خود می پرسید، آیا این کمی زمینی نیست؟ آیا این خیلی مسطح و به اندازه کافی مرموز نیست؟ از این گذشته، عید پاک نیز یک رویداد بهشتی است. در عید پاک، خداوند کسی را که توسط مردم اعدام شد به عنوان کفرآمیز می شناسد. او را بالا می برد و او را - اگر بتوانم بگویم - "دست راست" خود می سازد. داستان های عید پاک به ما می گویند که چگونه رستاخیز به شیوه ای اسرارآمیز به شاگردانش ظاهر می

شود. او از میان دیوارها و درها می‌گذرد، از ناکجاآباد ظاهر می‌شود و دوباره ناپدید می‌شود، همزمان در امانوس و اورشلیم ظاهر می‌شود. همچنین در جلیل و در مقابل دمشق مظاهر عید پاک وجود دارد، زمانی که مرد مصلوب شده سالها پس از عید پاک به عنوان یک شخص زنده به پولس رسول ظاهر شد.

به هر حال عید پاک نیز یک رویداد آسمانی است، جامعه عزیز، رویدادی که برای آسمان و زمین، برای فرشتگان و همه قدرت‌ها، برای زندگی و مرگ، برای عالم مرئی و نادیدنی مهم است. اما دقیقاً به دلیل اینکه عید پاک یک رویداد آسمانی است، می‌تواند رویدادهای زمینی را در سراسر جهان تعیین کند. زیرا عید پاک به عنوان یک رویداد بهشتی دارای ویژگی ابدیت است. در هر زمان در جهان همزمان است و در هر برهه تاریخی از زمان می‌تواند عینیت پیدا کند. به عنوان یک رویداد آسمانی، عید پاک فقط در یک زمان و مکان در اورشلیم در سال 30 پس از میلاد اتفاق نمی‌افتد. به عنوان یک رویداد آسمانی، عید پاک قبل و بعد از عید پاکی که عهد جدید درباره آن به ما می‌گوید اتفاق می‌افتد. از آنجا که عید پاک یک رویداد آسمانی و در نتیجه یک رویداد ابدی فراتر از همه زمان‌ها است، آهنگ پیروزمندانه هانا را می‌توان به عنوان یک آهنگ عید پاک نیز درک کرد. پیروزی هانا بر دشمنش که او را عذاب می‌داد، توهین می‌کرد و او را مسخره می‌کرد، بخشی از جشن عید پاک است.

شادی هانا را در تمام توهین‌هایی که تجربه کرد و رنج‌های طولانی و امیدهای بیهوده را می‌توان احساس کرد. مانند هانا، فقط کسی می‌تواند پیروز شود که جهنم را پشت سر گذاشته باشد. و به همین دلیل است که دارد. او پیروزی خود را به رخ حریفش می‌گذارد *schadenfreude* پیروزی هانا مطمئناً رنگ آمیزی از اندازد: «فکر کردی می‌توانی مرا کوچک کنی. تو باور داشتی که میتوانی مرا تحقیر کنی و نابود کنی اما تو فریب خوردی، غرورت هزار تکه شد!» یا در اصل: «خداوند می‌کشد و زنده می‌کند، به قلمرو مردگان هدایت می‌کند و دوباره بالا می‌رود. خداوند فقیر و ثروتمند می‌سازد. تواضع و تعالی می‌بخشد نیازمندان را از خاک بر می‌دارد و نیازمندان را از خاکستر.» این گونه است که هانا در آهنگ پیروزی خود بر حریف خود که این همه رنج را مدیون اوست پیروز می‌شود. و پیروزی شادمانه آنها به ستایش خدا و جلال عظیم او تبدیل می‌شود: «دل من در خداوند مسرور است، سرم در خداوند متعال است. دهان من بر دشمنانم گشوده شده است، زیرا از نجات تو خوشحالم. هیچ کس جز تو مقدس مانند خداوند نیست و هیچ.» صخره ای مانند خدای ما نیست

بنابراین دوباره می‌پرسم: آیا این شادی حنا برای امروز ما مناسب است؟ شاید اکنون ما گمان کنیم که این چیزی بیش از تحقق یک آرزوی دیرینه برای بچه دار شدن است. مردم اسرائیل باستان زمانی که احساس کردند چگونه خدا در زندگی آنها دخالت می‌کند و به آنها کمک می‌کند، سرود حنا را می‌خواندند، به ویژه در جایی که به مرزهای خود رسیده بودند و دیگر نمی‌توانستند راهی برای آینده ببینند. آنها متوجه شده بودند که تجربه هانا به شیوه ای مشابه به تجربه آنها تبدیل شده است. به این ترتیب شادی آنها هم می‌توانست برای ما مناسب باشد

پس کجا می‌توانیم تجربیات عید پاک را کشف کنیم؟ این‌ها می‌توانند داستان‌های کاملاً انسانی-زمینی مانند داستان‌های هانا باشند که پس از یک توهین طولانی و عمیق، همچنان برنده است. عید پاک همچنین شامل داستان‌های بسیاری است که در آنها عیسی مردم را شفا داد و آنها را از بیماری و تنهایی رها کرد. عید پاک شامل تمام گزارش‌های عهد جدید است که در آن مردم شجاعت ایستادگی در برابر نیروهای تخریب و تاریکی را پیدا می‌کنند. عید پاک همچنین شامل داستان‌هایی است که ما و اطرافیانمان تجربه می‌کنیم زیرا اگر عید پاک یک رویداد آسمانی فراتر از همه زمان‌ها است، پس عید پاک نیز یک رویداد زمان ما است.

با این حال، برای بسیاری از مردم استفاده از کلمه بزرگ "عید پاک" برای آنچه در زندگی خود تجربه می‌کنیم بسیار دشوار است. ما بیش از حد از آن ترس مقدس داریم. ما توقعات ما خیلی بالاست. اما این زبان

دینی ما را فقیر می کند، زیرا با توجه به آنچه زندگی روزمره ما را تعیین می کند، دیگر جرات استفاده از آن را نداریم. ما همچنین تجربیات عید پاک را داریم

مردی می گوید که چگونه یک روز صبح خیلی زود زنگ خانه اش به صدا درآمد. شش افسر پلیس با حکم بازداشت در آنجا بودند. او را به زندان شهر بردند. او در همان روز به قاضی تحقیق معرفی شد. او را به سرقت متهم کرد. سپس او را در یک سلول حبس کردند - وحشتی خالص برای او. او بسیار می ترسید زیرا نمی دانست چگونه می تواند قاضی را به بی گناهی خود متقاعد کند و آیا و کی می تواند دوباره آزاد شود. خوشبختانه 14 روز بعد عامل اصلی دستگیر و آزاد شد. برای او مثل شروع یک زندگی جدید بود

شخص دیگری تجربه عید پاک خود را اینگونه بیان می کند: "وقتی در بیمارستان آمدم و تشخیص را شنیدم ذات الریه شدید دو طرفه!"، این فکر در ذهنم جرقه زد: آیا از این جان سالم به در خواهم برد یا اکنون خواهم مرد؟ آنقدر احساس قوی بود که نمی توانستم آگاهانه روی آن تاثیر بگذارم. شب بعد آنقدر عرق کردم که تب به دمای طبیعی بدن رسید. بنابراین بالاخره زودتر از انتظار پزشکان توانستم به خانه بروم و امروز دوباره 10 کیلومتر دویدن مداوم انجام می دهم. اما آن لحظه ای که از خودم پرسیدم: دارم می میرم یا «زندگی می کنم؟ حتی پس از 17 سال، هنوز هم من را تحت تاثیر قرار می دهد

مطمئناً برخی از ما امروز می توانیم داستان عید پاک شخصی خود را تعریف کنیم. داستان های عید پاک داستان های شادی هستند. آنها داستان هایی هستند که در آنها مردم از بارهای بزرگ رها می شوند و در آن امیدهای تازه و دیدگاه های جدیدی به دست می آورند که در آن بر ذلت غلبه می کنند و شادی برایشان اتفاق می افتد. تولد یک کودک می تواند مانند حنا یک داستان عید پاک باشد. فرار موفق از ایران و معیشت جدید اینجا می تواند یک تجربه عید پاک باشد. شروع جدید در رابطه ای که مدت زیادی در کنار هم زندگی کرده اید، یا آشتی بین دو نفر که عمیقاً با یکدیگر اختلاف داشتند، می تواند یک تجربه عید پاک باشد. اما حتی در جایی که مسیر ما در اینجا به پایانی غیرقابل بازگشت می رسد، تجربه های عید پاک وجود دارد: زمانی که فردی که بیمار لا علاج است بر دل سردی و ناامیدی، خشم و تلخی غلبه می کند و با خود، موقعیت خود و افراد اطرافش موافقت می کند. "البته من دوست دارم بیشتر زندگی کنم. اما می دانم که تنها نیستم. احساس گرما و محبت همه کسانی که به آنها اهمیت می دهم خوب است. و هنگامی که من وارد دروازه بزرگ شدم، مسیح مرا پذیرایی خواهد کرد. سپس جایی را نزد او برای کسانی که اکنون باید با آنها خداحافظی کنم، ذخیره خواهم کرد

شادی عید پاک می تواند اشکال مختلفی داشته باشد، جامعه عزیز. ما از طریق تجربه هانا ردپایی از پیروزی عید پاک را در زندگی روزمره خود کشف کردیم و نگاه کردن به مسیح برخاسته به ما اطمینان می دهد که با وجود ترس و خشونت، با وجود جنگ و وحشت، مرگ حرف آخر را نخواهد زد، بلکه نور و زندگی اوست. و شادی هانا مناسب است: «دل من در خداوند شاد است، ... زیرا من از نجات تو خوشحالم خداوند می کشد و زنده می کند و او را به قلمرو مردگان می آورد و دوباره بالا می برد. خداوند فقیر و ... ثروتمند می سازد. تواضع و تعالی می بخشد. او نیازمندان را از خاک برمی دارد و نیازمندان را از خاکستر برمی دارد تا او را در میان شاهزادگان قرار دهد و تاج و تخت جلال را به ارث ببرد.» آمین